



سرمقاله

بیاره توشه برداریم...

«بیاره توشه برداریم...»

دگر گونیهای عظیم و سرشار از شگفتی گام
مینهد. ده سال بعد ژان - ژاک - شرایبر در کتاب

الوین تافلر در سال ۱۹۷۰ در کتاب
«شوک آینده» هشدار داده بود که بشر به عصر

رازی / سال دوم / شماره ۲ / اسفند ۶۹ / صفحه ۳

پرفروش بنام «تکاپوی جهانی» از اطلاعات بعنوان یکی از سه رکن اساسی برای فعالیتها و خلاقیت انسان نام میبرد. او دو رکن دیگر را ماده و انرژی برمی شمارد و تأکید مینماید که: اطلاعات به اندازه انرژی اهمیتی حیاتی دارد. هم‌اینک سالیانی چند است که ماهواره‌ها همه نقاط زمین را با یکدیگر مرتبط ساخته‌اند، رویای «دهکده جهانی» مک‌لوهان به مدد تکنولوژی فوق مدرن تحقق پیدا می‌کند. در حال حاضر میشود فریادی را از آنسوی کره زمین در همان لحظه به گوش کسانی در سوی دیگر کره ارض رسانید و تصویر جنایتی را در برابر چشم همگان به نمایش گذاشت.

علوم زیستی (Biosciences) خود را با این حرکت پرشتاب هماهنگ نموده و یک شبه ره صد ساله می‌رود. هر لحظه کوهی از اطلاعات و داده‌های نوین در حافظه کامپیوترها ذخیره میشود و آنگاه در اندک زمانی به مدار تباطات فراقاره‌ای در هر سوی عالم انتشار می‌یابد. اما علیرغم این، شانس بهره‌برداری و امکان استفاده از چنین اطلاعاتی برای همه یکسان نیست. سرمقاله یکی از نشریات نوپای کشور اشاره‌ای داشت به نتایج یک بررسی که برای «یونسکو» صورت گرفته بود. هدف یونسکو از آن بررسی مقایسه سرعت انتقال و انتشار اطلاعات در میان کشورهای مختلف جهان بود. نتیجه تحقیق نشان میداد که: «ژاپن از نظر سرعت پخش اطلاعات و مبادله آن مقام اول را در میان کشورهای جهان داراست». در بخش دیگری از آن بررسی آمده بود که: «یک مقاله علمی مثلاً

در مورد یک یافته نوین در فیزیک دو روز پس از انتشار به زبان ژاپنی ترجمه میشود، روز سوم نکات مختلف آن استخراج و وارد کامپیوتر مرکزی آکادمی علوم توکیو میگردد و در کمتر از چهار روز، دبیر فیزیک دبیرستانی در یکی از جزایر دورافتاده ژاپن از کم و کیف آن مطلع شده و در فرصت مناسب آنرا به زبان ساده با شاگردانش در میان مینهد. در همین فاصله صدها موسسه خصوصی و دولتی از طریق بانک اطلاعات از مفاد آن مقاله علمی آگاه میگردند». اما در کشورهای دیگری از همان قاره، فرصتی ۳-۲ ساله لازمست تا معدود محققین آنها از چنین مقاله‌ای آگاه گردند. پیامد تأسفبار، نه صرفاً در این تأخیر مقدماتی که در احتیاس چنان اطلاعاتی در همان منزل اول است. علت را شاید بتوان نبودن واسطه‌هایی برای انتقال آن مطالب به زبان مناسب به گوش علاقمندان و بهره‌گیران از آن پدیده تازه دانست. این رخوت اطلاعاتی شکاف میان «شمال» صنعتی و «جنوب» تشنه صنعت را عمیق‌تر میسازد، «آنها» میتازند و اینها «میبازند»، و دور باطل فقر و عقب‌ماندگی ادامه پیدا میکند.

در چنین مقطعی، ما کجا هستیم؟ کشوری ثروتمند با نعماتی خداداد، مردمانی تیزهوش و سخت‌کوش، اما شاید به این علت که مویرگهای عهده‌دار انتقال «اکسیژن» اطلاعات به بخش قابل توجهی از آن پیکره عظیم با ۶۰ میلیون سلول هنوز به کار آئی کافی نرسیده‌اند، مانه در درون که در آستانه عصر جدید ایستاده‌ایم. با

این حال به نظر میرسد که تدارك مقدمات چنان ورودی در حال انجام است و خوشبختانه اهمیت مسئله درك شده و تلاشهایی برای انتقال اطلاعات علمی روز آغاز شده است. نشریات علمی کشور روبرو فزونی نهاده، «مجله پزشکی جمهوری اسلامی ایران» با همین چند شماره جایگاهی بین‌المللی یافته و انتشار مجله «نظام پزشکی» با کیفیتی برتر و اعتباری درخور، از سر گرفته شده است. «نشریه دانشکده داروسازی دانشگاه تهران» با دستی خالی از امکانات ولی همتی والا منتشر شده و نشان داده که هر چند «دیر» اما همچنان «شیر» وارد میدان گردیده است. دانشگاهیان مشهد بعد از برگزاری دو سمینار مهم و باب روز تحت عنوان «طب و تصویر» به درستی کمبود نشریه‌ای معتبر در زمینه «علوم پایه پزشکی» را احساس نموده و برای رفع این مهم آستین همت بالازده‌اند، «دارو و درمان» هشت ساله میشود و «ماهنامه دارویی رازی» قدم به دوسالگی میگذارد و در همین حال خبر انتشار مجدد «نسخه» بر شادی اهل علم میافزاید. آنچه بر شمر دیم تنها «معدودی» را از «بسیار» نشان میدهد، و گرنه عناوین دیگری مثل مجله علمی پزشکی اهواز و نشریات ادواری دانشکده‌های پزشکی و داروسازی شهرستانها را میتوان ذکر نمود که در این سالها افتان و خیزان به انتشارشان ادامه داده‌اند. به يك نشریه شاخص برای داروسازان هم باید اشاره کرد و آن بولتن علمی داروسازان گیلان است که بیش از ده سال است که با پایمردی داروسازان آن ولایت بدون وقفه

(هرچند در تیراژی محدود) انتشار یافته است. از فعالیتهای انتشاراتی که بگذریم و به کنفرانسهای متعدد علمی که هر روز در نقاط مختلف کشورمان برگزار میشود در حد همین اشاره بسنده کنیم، در وجوه دیگری، تلاشهایی برای اطلاع‌رسانی هرچه سریعتر در جریان است. از یکسال پیش «مرکز ارسال اطلاعات پزشکی ایران» وظیفه انتقال اطلاعات علمی تازه را با شایستگی کامل عهده‌دار شده است، از سوی وزارت بهداشت تعداد قابل توجهی کامپیوتر میان دانشکده‌های وابسته توزیع گردیده و در همان حال درهای مرکز اطلاع‌رسانی بر روی محققین کشور گشوده شده تا خیلی سریع، امکان دستیابی به اطلاعات علمی برایشان فراهم شود. خبرهایی هم از تشکیل بانکهای اطلاعاتی و احتمال اتصال ایران به «Med. line» به گوش میرسد که همه اینها امیدوارکننده هستند. آرزو کنیم این تلاشها تداوم داشته باشند و آرزو بکنیم که دیگر هرگز هیچ مانعی بر سر راه ورود نشریات علمی به کشور قرار نگیرد (در ۱۰ ماهه اول سال ۹۰ به دلایلی که هرگز صراحتاً اعلام نشد، تقریباً هیچ نشریه پزشکی - داروئی وارد کشور نگردید، هرچند در آخرین ماههای سال سرو کله تعدادی از آنها پدیدار شد).

با درك ضرورت زمانه بکوشیم تا توشه مناسب برای گام نهادن بر آستان سال ۲۰۰۰ را فراهم آوریم و سپس محکم و استوار..... قدم در راه بگذاریم.»

دکتر فرهاد روشن ضمیر